



University of Tabriz-Iran

Quarterly Journal of

Philosophical Investigations

ISSN(print): 2251-7960(online):2423-4419

Vol.12/No23/summer2018

پژوهش‌های فلسفی

فصلنامه علمی-پژوهشی

سال ۱۲ / شماره ۲۳ / تابستان ۱۳۹۷

تقسیم‌پسapidارشناسانه روابط انسان و تکنولوژی از نظر دون‌آیدی و ظرفیت‌های آن برای اخلاق کاربری تکنولوژی*

سیدمرتضی طباطبائی**

دانش‌آموخته دکتری فلسفه، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

غلامحسین توکلی

دانشیار دانشگاه اصفهان، گروه فلسفه

چکیده

اخلاق کاربری تکنولوژی، نیازمند دسته‌بندی مناسبی از تکنولوژی‌هاست تا بتوان برای هر دسته کلان تکنولوژی، اصولی اخلاقی را متناسب با ویژگی‌های مشترک هر دسته تدارک دید. دون‌آیدی در رویکرد پسapidارشناسی تجربی خود، روابط ما را با تکنولوژی به چهار دسته تجسد، هرمنوتیکی، غیریت و زمینه‌ای تقسیم می‌کند که بر همین اساس می‌توان تکنولوژی‌ها را نیز بر اساس کارکرد اصلی‌شان، به همین شکل تقسیم کرد. براین‌اساس تکنولوژی‌های متجسد، گسترش‌دهنده ادراکات ما هستند، تکنولوژی‌های هرمنوتیکی، به امری جز خود اشاره می‌کنند و همچون متنی پیش روی ما باز هستند، تکنولوژی‌های غیرگونه، همچون شخص انسانی در برابر ما ظاهر می‌شوند و تکنولوژی‌های زمینه، در حاشیه آگاهی ما به کار خود مشغول‌اند. در این مقاله، نشان داده می‌شود که این تقسیم‌بندی دون‌آیدی، به سبب ظرفیت‌هایی همچون توجه به رابطه انسان با جهان اطراف، دربرگیرندگی تکنولوژی‌های جدید و قدیم، و عینیت و بی‌طرفی، زیربنای مناسبی برای مباحث اخلاقی و به‌ویژه اخلاق کاربری در حوزه تکنولوژی است. با این همه، این تقسیم‌بندی ابهامات و کاستی‌هایی نیز دارد؛ از جمله عدم جامعیت و ایرادات صوری تقسیم، به نظر می‌رسد این کاستی‌ها را بتوان با اصلاحات و تغییراتی اندک در تقسیم‌بندی، برطرف ساخت.

واژگان کلیدی: پسapidارشناسی، دون‌آیدی، رابطه تجسد، رابطه غیریت، رابطه هرمنوتیکی، رابطه زمینه‌ای

* تاریخ وصول: ۹۵/۸/۲۵ تأیید نهایی: ۹۵/۱۱/۲

برگرفته از رساله دکتری، با عنوان: «اصول اخلاقی کاربری تکنولوژی مدرن: الگویی تلفیقی بر اساس نظریات وظیفه‌گرا، پیامدگرا و فضیلت‌گرا»، تاریخ دفاع رساله: ۱۳۹۶/۲/۱۳، استاد راهنما: غلامحسین توکلی، دانشگاه: اصفهان

**E-mail: Morteza.tab64@gmail.com

مقدمه

اخلاق کاربری تکنولوژی، به منزله شاخه مهمی از اخلاق کاربردی، معطوف به اصول اخلاقی‌ای است که هر کاربر تکنولوژی در هنگام استفاده از وسایل تکنولوژیک ملزم به رعایت آنهاست. برای نمونه، اینکه یک کاربر اینترنت، تا چه حد مجاز است در فضای مجازی، از هویت‌های گوناگون و ناشناس استفاده کند و اینکه از کدام یک از اصول اخلاقی لازم‌الاجرا در فضای دنیای واقعی معاف است، بحثی است در کاربری اخلاقی فضای مجازی؛ و یا اینکه کاربران نرم‌افزارهای رایانه‌ای، اخلاقاً مجاز به تکثیر برنامه‌های دارای حق پخش هستند یا نه، بحثی است در اخلاق کاربری رایانه. به هر حال، برای هر یک از تکنولوژی‌های مدرن، به سبب پیچیدگی و وسعت کاربردشان، اصولی اخلاقی جهت کاربری صحیح ملحوظ است. با این حال، آیا نمی‌توان اصولی اخلاقی را به طور مشترک، برای کاربری همه تکنولوژی‌های گوناگون در نظر گرفت؟ (مسلم است که مباحث اخلاقی مرتبط با تکنولوژی، صرفاً معطوف به کاربری آن نیست، بلکه در زمینه‌های مهم دیگری همچون طراحی و مهندسی، تولید و ساخت، و توزیع و نظارت دولتی نیز اصول اخلاقی باید مد نظر باشند. با این حال، آنچه در این نوشتار مد نظر است، صرفاً اخلاق کاربری است، فارغ از اینکه در مراحل طراحی، تولید، توزیع و نظارت، اصول اخلاقی رعایت شده باشند یا نه).

هواپیمای مسافربری، کمباین، گیتار الکترونیک، ماهواره فضایی، مگس کش برقی، تلفن همراه، دستگاه سی‌تی‌اسکن، دوربین مداربسته، روبات کارگر، کولر گازی، شبکه مجازی اجتماعی تلگرام و موشک قاره‌پیما، شمار اندکی از انواع تکنولوژی‌های پیشرفته عصر ما هستند. کاربردهای هر یک از این ابزارآلات، بسیار ویژه است و یافتن وجه مشترکی غیر از کاربرد بشری برای آنها، دشوار است و لذا اینکه درباره همه این انواع گوناگون، و نیز انواع متنوع و پیش‌بینی‌ناپذیری که ممکن است در آینده اختراع و تولید شوند، بتوان احکام و اصولی اخلاقی صادر کرد درخور درنگ و تأمل است.

بدین سبب، کسانی که به فلسفه و اخلاق تکنولوژی مدرن می‌پردازند، چند رویکرد متفاوت را در پیش گرفته‌اند، که می‌توان آنها را در این قالب دسته‌بندی کرد: ۱. رویکرد خردنگر، ۲. رویکرد کلان‌نگر، ۳. رویکرد میانه.

در رویکرد خردنگر، به منزله رایج‌ترین رویکرد، درباره یک تکنولوژی خاص به طور جداگانه بحث می‌شود؛ ویژگی‌ها و کاربردهایش بررسی می‌گردد و به تناسب، اقتضات اخلاقی آن کانون بحث قرار می‌گیرد؛ کاری که برای مثال هیوبرت دریفوس درباره اینترنت (Dreyfus, 2001)، فرانسیس فوکویاما درباره پروژه ژنوم (Fukuyama, 2002)، کریستین شرادر فرچت درباره انرژی هسته‌ای (Shrader-Frechette, 1993)، و خوزه ون دیجک درباره حافظه‌های دیجیتال (Dijck, 2007) انجام داده‌اند. در این روش، پژوهشگر دست بسیار بازی برای پرداختن به جزئیات فنی یک تکنولوژی خاص، و بررسی تفصیلی پیامدهای فرهنگی و اجتماعی و لوازم اخلاقی آن دارد. با این همه، این رویکرد با محدودیت‌هایی همراه است؛ نخست اینکه در چنین رویکردی دامنه کاربران، نسبت به رویکرد کل‌نگر بسیار محدودتر است و پیشنهادها برای کاربران همان تکنولوژی خاص مورد استفاده است؛ دوم اینکه اگر بناست این رویکرد جامع باشد، لازم است درباره همه انواع تکنولوژی‌ها، که تعدادشان نجومی است، یک‌به‌یک و به طور جداگانه پژوهش شود و آثاری بی‌شمار به نگارش درآید؛ و سوم اینکه در این رویکرد، بسیاری از پیامدهای مشترک همه یا بخشی از انواع تکنولوژی، به طور مکرر بیان می‌شوند و ارتباط میان تکنولوژی‌ها تا حدی نادیده گرفته می‌شود.

در مقابل، در رویکرد دوم یعنی رویکرد کلان‌نگر، همه انواع تکنولوژی به یک چشم‌نگریسته می‌شوند و سرجمع پیامدهای همه تکنولوژی‌های مدرن برای زندگی بشری، واکاوی می‌گردد. در این رویکرد، لزوماً نباید از تکنولوژی‌های گوناگون مدرن سخن گفت، بلکه می‌توان ماهیتی به عنوان تکنولوژی مدرن را که مفهومی است جامع، و منتزع از ویژگی‌های مشترک انواع تکنولوژی‌های مدرن (اگرچه نه شاید همه آنها)، در نظر گرفت و پیش از ارزیابی اخلاقی درباره تأثیرات کلی آن بر فرهنگ و اقتصاد و سیاست بشری و نیز محیط زیست سخن گفت. کسانی همچون هانس یوناس (یوناس، ۱۹۸۲) هربرت مارکوزه (مارکوزه، ۱۳۷۸) و سیدحسین نصر (Nasr, 2007) چنین رویکردی را دنبال کرده‌اند. البته این رویکرد معایبی دارد: اول اینکه یافتن وجه مشترک ذاتی و مشخصی میان همه انواع تکنولوژی مدرن، به‌آسانی امکان‌پذیر نیست و چندان معقول نیست که از تفاوت‌های فراوان مبم هسته‌ای، دوربین دیجیتال، نرم‌افزار حسابداری، بازی «آنگری‌برد»، قلم دیجیتال و روبات عروسکی، به نفع یک یا چند وجه مشترک بسیار کلی و لغزنده چشم‌پوشی شود؛ دوم اینکه در این رویکرد، داوری‌ها نسبت به تکنولوژی مدرن، عمداً یا سهواً جهت‌گیری نادقیق و غیرمنصفانه‌ای پیدا می‌کند؛ به گونه‌ای که پژوهشگر هر لحظه در معرض افتادن در دام نگاه آرمانشهرگرا یا ویرانشهرگرا قرار دارد و همواره در صدد تعمیم ویژگی خاصی به همه انواع تکنولوژی است. این‌گونه است که کسانی همچون سید حسین نصر، در بررسی تکنولوژی مدرن، دقت نظر و سخت‌گیری‌ای دارند که هنگام برخوردشان با تکنولوژی سنتی، خبری از آن نیست، و لذا با همان چوبی که همه تکنولوژی‌های مدرن را می‌رانند، مردم را به سمت همه انواع تکنولوژی سنتی حتی کشاورزی سنتی فرا می‌خوانند (Nasr, 2007)، و برایشان اهمیتی ندارد که مثلاً این نوع کشاورزی در دوره کنونی، تا چه میزان از جهت هدررفت آب و فرسایش خاک زیانمند است.

بنابراین به سبب محدودیت‌های رویکرد اول و معایب رویکرد دوم، معقول به نظر می‌رسد که رویکردی میانه اتخاذ شود؛ رویکردی که در آن، نه نیازی به بررسی یکان‌یکان انواع و افراد بی‌شمار تکنولوژی باشد، و نه تفاوت‌های برجسته تکنولوژی‌های مختلف را نادیده بگیرد و بخواهد همه آنها را به یک چوب براند. این راهکار میانه، دسته‌بندی تکنولوژی‌های مختلف در گروه‌هایی است که بیشترین وجوه مشترک را دارند. ممکن است این تقسیم‌بندی، بر اساس کارکرد آنها باشد؛ مثلاً تکنولوژی‌های کشاورزی، تکنولوژی‌های پزشکی، تکنولوژی‌های رفاهی، تکنولوژی‌های نظامی و...؛ ممکن است بر اساس تأثیراتشان باشد؛ مانند تکنولوژی‌های آلاینده محیط زیست و تکنولوژی‌های پاک؛ و یا حتی ممکن است بر اساس دامنه کاربردشان باشد، مثلاً تکنولوژی‌های تخصصی برای مشاغل خاص و تکنولوژی‌های عمومی و روزمره که در دست همه مردم هستند. رویکرد میانه‌ای که در این مقاله برگزیده خواهد شد، رویکردی است مبتنی بر فلسفه پساپدیدارشناسانه دون آیدی (Don Ihde) که در آن ملاک تقسیم‌ش درباره تکنولوژی‌ها را، «نسبت» قرار می‌دهد؛ نسبتی که انسان با ابزار تکنولوژیک، و از طریق آن، با جهان برقرار می‌کند. در ادامه، با توضیح این ملاک، رویکرد میانه مد نظر خود را برای تعیین الگوی اخلاق کاربری، روشن خواهیم ساخت.

۱. تقسیم چهارضلعی آیدی

پروفسور دون آیدی (۱۹۳۴-)، فیلسوف علم و تکنولوژی معروف امریکایی است که هم‌اکنون به عنوان استاد ممتاز دانشگاه استونی بروک نیویورک مشغول تدریس و پژوهش است. آیدی نویسنده بالغ بر بیست کتاب در زمینه تکنولوژی و پدیدارشناسی، از جمله کتاب‌های مهم تکنیک و پراکسیس، تکنولوژی و

زیست‌جهان، و پساپدیدارشناسی (postphenomenology) است. او در زمینه مطالعات تکنولوژی، از دو حیث پیشگام است: «اولاً از نخستین فیلسوفانی است که در امریکا، تکنولوژی را موضوع تأملات فلسفی قرار داد و ثانیاً از نخستین کسانی است که از پدیدارشناسی (در زمانه‌ای که از دور خارج شده بود)، برای مطالعه تکنولوژی استفاده کرد» (Achterhuis, 2001: 119).

چنان‌که برخی گفته‌اند، آیدی تکنولوژی را به منزله جزئی اساسی از پدیدارشناسی در نظر می‌گیرد و لذا نگاهش به تکنولوژی نیز پدیدارشناسانه است. به بیان واضح‌تر، وقتی در سنت پدیدارشناسی عقیده بر این است که سوژه و ابژه، یعنی انسان و جهان، به طور مستقل قابل بررسی نیستند و تنها باید در ارتباط با یکدیگر فهم شوند، لذا رابطه میان انسان و جهان، بیشترین اهمیت را برای مطالعه پیدا می‌کند؛ اما دون آیدی اضافه می‌کند که چون این رابطه در جهان مدرن غالباً از طریق تکنولوژی برقرار می‌شود، نمی‌توان بدون توجه به تکنولوژی و انواع روابط انسان با آن، تفسیر درستی از نسبت انسان و جهان داشت (کاجی، ۱۳۹۲: ۷۷-۷۸). براین اساس آیدی به بررسی انواع ربط و نسبت‌هایی می‌پردازد که انسان از طریق تکنولوژی با جهان برقرار می‌کند. او این بررسی نسبت‌ها را به نحو تجربی و با واکاوی عینی تکنولوژی‌ها انجام می‌دهد و بر اساس همین نگاه تجربه‌گرایانه و موردکاوی عینی است که کمی از پدیدارشناسی فاصله می‌گیرد و روش خود را «پساپدیدارشناسی» می‌نامد. به تعبیر بهتر، پدیدارشناسی آیدی بر سویی‌های عمل‌گرایانه، جهات و تحقق‌های چندگانه و بررسی‌های موردی تمرکز دارد (کاجی، ۱۳۹۲: ۶۱).

گفته شده که آیدی بررسی خود درباره تکنولوژی را در دو سطح متفاوت «ادراکی» و «فرهنگی» انجام می‌دهد: در سطح ادراکی و موردنگر، وی با ادراک و تجربه انسانی از تکنولوژی‌های گوناگون سروکار دارد و به معرفی انواع نسبت‌های ادراکی بشر و جهان از طریق تکنولوژی می‌پردازد؛ اما در سطح فرهنگی، به رابطه میان مصنوعات تکنولوژیک و فرهنگ به طور کلی توجه می‌کند (Achterhuis, 2001: 123). روشن است که از میان این دو سطح تحلیل برای بحث کنونی ما، یعنی دسته‌بندی انواع تکنولوژی، تحلیل در سطح ادراکی کارآمدی لازم را دارد؛ چراکه وی در این سطح، با تقسیم انواع روابطی که از طریق تکنولوژی‌های گوناگون با جهان برقرار می‌کنیم، به نوعی انواع تکنولوژی را در نسبت با انسان دسته‌بندی می‌کند و چنان‌که نشان داده خواهد شد، چنین رویکردی در تقسیم تکنولوژی‌ها، مناسب‌ترین رویکرد برای مباحث اخلاق کاربری است. آیدی تقسیم‌بندی چهارضلعی خود از نسبت‌های تکنولوژیک ما با جهان را در معروف‌ترین کتاب خود تکنولوژی و زیست‌جهان عرضه می‌کند، که ترجمه بخش‌هایی از آن در مقاله دو قسمتی «پدیدارشناسی و تکنیک» منتشر شده است. در ادامه این تقسیم‌بندی را بر اساس منابع یادشده، به طور خلاصه توضیح می‌دهیم.

۱-۱. رابطه تجسد

آیدی معتقد است که روابط ما با جهان از طریق تکنولوژی، دارای چهار نوع نسبت اساسی است: رابطه تجسد یا تن‌یافته (embodiment relation) رابطه هرمنوتیکی (hermeneutic relation)، رابطه غیریت (alterity relation) و رابطه زمینه‌ای (background relation). در نخستین نسبت، یعنی تجسد، ابزار تکنولوژیک، گسترش‌دهنده و تکمیل‌کننده قوای ادراکی انسان است، و اگر این ابزار دارای کارایی لازم باشد و کار کردن با آن آسان، با گذشت زمان استفاده، این وساطت از نظر پنهان شده، گویی تکنولوژی، بخشی از تن انسان می‌گردد. از جمله نمونه‌ها تلسکوپ، عینک، سمعک و عصا هستند که می‌توانند موجب

چنین وساطتی میان انسان و جهان شوند (آیدی، ۱۳۸۸ الف: ۱۵). به تعبیر نمادین، می‌توان رابطه انسان و جهان را از طریق این تکنولوژی‌ها، بدین شکل ترسیم کرد:

(من-تکنولوژی) - جهان

قرار گرفتن من و عینک داخل پرانتز، به این معناست که در اینجا، من و تکنولوژی، در یک قالب و جسم، مشغول تجربه جهان هستیم و خود ابزار، به سبب چیزی که آیدی آن را شفافیت (transparency) می‌خواند، مورد غفلت است و حس نمی‌شود. در این قسم، آنچه اهمیت دارد این است که چنین ابزارهایی باید بر قابلیت‌های بدنی ما بیفزایند. به تعبیر دیگر، عینک باید بتواند آنچه را چشم نمی‌بیند، برایش قابل دیدن کند، نه اینکه صرفاً شیشه‌ای بدون بزرگنمایی باشد. با این حال، ابزارهای تکنولوژیک متجسد، در عین آنکه برخی ادراکات را تقویت می‌کنند، ادراکات دیگری را مخدوش می‌سازند یا اموری را از ما پنهان می‌سازند؛ چنان‌که مثلاً هنگام سخن گفتن از طریق تلفن، به رغم از بین رفتن بُعد مسافت، کیفیت صدای طرف مقابل مخدوش می‌شود و هنگام بزرگنمایی ذرات ریز از طریق میکروسکوپ، برای لحظاتی اندازه واقعی آنها فراموش می‌گردد (آیدی، ۱۳۸۸ الف: ۱۶). لذا اگر کسی خود را تماماً به این وساطت بسپارد و در این مشاهدات غرق شود یا اگر از بدو تولد با چنین ابزاری رشد کرده باشد، اندازه‌های واقعی اشیا را در نمی‌یابد و یک سیاره را با یک گلبول قرمز هم‌اندازه می‌پندارد، چراکه در عدسی‌های تلسکوپ و میکروسکوپ اندازه تصویر کهکشانی و آمیب، یکسان است (Ihde, 1990: 79).

مطلب مهم آن است که در همه روابط تجسد، چه از طریق تکنولوژی‌های ساده و ابتدایی و چه از طریق تکنولوژی‌های پیشرفته و امروزی، هم چیزهایی به دست می‌آوریم و برخی ادراکاتمان تقویت می‌شوند و هم چیزهایی را از دست می‌دهیم و برخی دیگر از ادراکاتمان تضعیف می‌شوند، و چنین نیست که از دست دادن برخی ادراکات، چنان‌که برخی منتقدان رمانتیک تکنولوژی مدرن می‌گویند، مختص تکنولوژی‌های مدرن باشد (Ihde, 1990: 74-75).

۱-۲. رابطه هرمنوتیکی

دومین رابطه ما با جهان از طریق تکنولوژی، رابطه هرمنوتیکی است. در این رابطه، ما همان‌گونه که با یک متن مواجه می‌شویم و آن را می‌خوانیم، خود ابزار را مورد توجه قرار می‌دهیم و با دقت در ارجاعات آن، به تعبیر و تفسیر جهان می‌پردازیم؛ مانند وقتی که به یک دماسنج می‌نگریم تا دمای هوا را متوجه شویم یا به نقشه یا عکسی ماهواره‌ای چشم می‌دوزیم تا فواصل مکانی جهان پیرامون را ارزیابی کنیم. در این رابطه، بر خلاف رابطه تجسد که ابزار، بخشی از اعضای بدن ما می‌شد، ابزار در مقابل ما قرار می‌گیرد و به جهان اشاره می‌کند (آیدی، ۱۳۸۸ الف: ۱۶-۱۷). بنابراین به طور نمادین می‌توان رابطه هرمنوتیکی را چنین ترسیم کرد:

(من-تکنولوژی-جهان)

در این رابطه، قرارگیری جهان و تکنولوژی درون یک پرانتز، به معنای فاصله گرفتن تکنولوژی از من و تبدیل آن به یک ابژه است. با این حال، این ابژه، خود دارای ماهیت اشاره‌ای و ارجاعی دارد و باز، واسطه‌ای است میان من و جهان. تفاوت آن با رابطه تجسد، در میزان فاصله‌ای است که از من دارد. بدین ترتیب، همان ویژگی تقویتی و تضعیفی که در رابطه تجسد وجود داشت، در این رابطه نیز دیده می‌شود؛ چنان‌که دماسنج، مرا از میزان دمای هوای بیرون آگاه می‌کند، ولی آن حس سرما یا گرمای واقعی را به آستانه حواس من نمی‌رساند (آیدی، ۱۳۸۸ الف: ۱۸).

البته آیدی توجه می‌دهد که یک تکنولوژی ممکن است همزمان ایجادکننده هر دو رابطه تجسد و هرمنوتیکی باشد؛ مانند وقتی که خود عینک را، به منزله یک تکنولوژی متجسد، برانداز کرده، به نحوه قرارگیری‌اش بر روی بینی و دو گوش توجه می‌کنیم. با این حال، بسیار روشن است که کارکرد اصلی عینک، ایجاد همان رابطه تجسد (بزرگنمایی) است، و روابط دیگر، صرفاً روابط جنبی این تکنولوژی هستند، و ملاک اصلی یا جنبی بودن رابطه، این است که در یک زیست‌جهان انسانی، آن رابطه از طریق کمترین تلاش برای یادگیری، و با کمترین دشواری، تبدیل به عادت شود. مسلم است که دیدن از طریق عینک، عادت است بسیار ساده و بدون دشواری‌های لازم برای تفسیر آن به منزله یک ابژه هرمنوتیکی (آیدی، ۱۳۸۸: ۱۵).

۱-۳. رابطه غیریت

در رابطه سوم، یعنی رابطه غیریت، فاصله ابزار از من بیشتر، و با جهان کمتر می‌شود. به تعبیر دیگر، در این رابطه، خود تکنولوژی، در قامت یک شخص در مقابل من ظاهر می‌شود که باید با او وارد کنش و واکنش شوم؛ هرچند این شخص، تفاوت‌هایی با شخص انسانی دارد. بت و قبله، نمونه‌هایی از اشیای مصنوع بشری هستند که بشر با آنها وارد رابطه از نوع غیریت می‌شود؛ یعنی با آنها سخن می‌گوید و حاضر است برایشان فداکاری کند و می‌کوشد تا از آنها مراقبت و دفاع کند. اسباب‌بازی‌های کودکی، چه از نوع ساده‌اش مانند فرفره و عروسک، و چه از نوع پیشرفته‌اش همچون انسان‌های مجازی در بازی‌های رایانه‌ای، از دیگر تکنولوژی‌هایی هستند که با آنها رابطه غیریت برقرار می‌سازیم؛ اما بارزترین نوع این رابطه را با خودکارها (Automation) برقرار می‌کنیم. این خودکارها در دنیای کهن، آدمک‌هایی بودند که در تئاترها یا جشن‌ها به کار گرفته می‌شدند و در دنیای معاصر، روایت‌های انسان‌نمایی هستند که با بهره‌مندی از هوش مصنوعی، در صددند تا بیشترین شباهت ممکن به انسان را بیابند (آیدی، ۱۳۸۸: ۱۶-۱۸). در شکل نموداری، رابطه غیریت با تکنولوژی را می‌توان بدین گونه ترسیم کرد:

من < تکنولوژی (- جهان)

اینکه غیر از تکنولوژی، جهان نیز همچنان به عنوان عنصر سومی در پراگماتر قرار دارد، بدین سبب است که همیشه امکان دارد در روابط غیریت، رابطه‌ای با جهان نیز برقرار شود و این دست تکنولوژی‌ها، وساطتی را با جهان ایجاد کنند. بنابراین در چنین مواردی، جهان به عنوان بستر و پس‌زمینه، در حاشیه رابطه موجود است (آیدی، ۱۳۸۸: ۲۰).

آیدی البته این نوع رابطه غیریت را غیرت تام نمی‌داند و معتقد است اینکه همه جا ترسی رمانتیک موج می‌زند که مبدا تکنولوژی، واقعاً ماهیتی انسانی و غیرگونه پیدا کند و در صدد تسلط بر انسان برآید، هراسی باطل است. همان‌گونه که در روابط تجسد، به رغم تمایل انسان، تکنولوژی هرگز نمی‌تواند به طور کامل، بخشی از بدن من شود، در روابط غیریت نیز تکنولوژی هرگز تبدیل به یک دیگری واقعی نمی‌شود؛ چراکه «اگر یک مصنوع تکنولوژیک، قرار بود حقیقتاً یک دیگری باشد، هم تکنولوژی بود و هم نبود» (آیدی، ۱۳۸۸: ۲۰).

۱-۴. رابطه زمینه‌ای

آیدی نهایتاً چهارمین نوع از رابطه انسان و تکنولوژی را رابطه‌ای می‌داند که در آن، تکنولوژی حضوری نامحسوس دارد و کاربر توجه مستقیمی بدان ندارد. در واقع در این رابطه، تکنولوژی بر خلاف روابط

هرمنوتیکی و غیریت، نقش چندانی در تجربه آگاه ما ندارد و صرفاً زمینه تجربه ما را تشکیل می‌دهد. برای مثال می‌توان به دستگاه‌های گرمایش مرکزی خودکار، سیستم‌های کنترل ترافیک یا یخچال اشاره کرد. این دستگاه‌ها در پس‌زمینه تجربه ما، خاموش و روشن می‌شوند و ما بدون اینکه متوجه شویم، در حضور نامحسوس آنها به فعالیت خود ادامه می‌دهیم (Ihde, 1990: 108-110). این رابطه را خود آیدی به صورت نموداری رسم نکرده، ولی می‌توان آن را با چنین شکلی در نظر گرفت:

من < (تکنولوژی) - جهان

در دانشنامه علم، تکنولوژی و اخلاق، ویراسته کارل میچام آمده اینکه آیدی تکنولوژی را در پراتنز قرار داده است، نشان می‌دهد که در این رابطه، انسان صرفاً با جهان در ارتباط است و تکنولوژی نیز به گونه‌ای نامحسوس در روابط ما موجود است. در چنین رابطه‌ای تکنولوژی‌ها از ما غایب‌اند و نقش محیط را بازی می‌کنند. آنها برای ما کار می‌کنند و می‌توانند در شکل‌دهی به جهان ما به گونه‌ای ویژه، بسیار قدرتمند باشند، اما توجه ما را بر نمی‌انگیزند و از بررسی دقیق ما می‌گریزند (Mitcham, 2005: 1406).

۲. بررسی ظرفیت‌های دسته‌بندی آیدی برای الگوی اخلاق کاربری

آیدی به رغم مطالعات عمیق و گسترده‌اش درباره تکنولوژی و با اینکه دغدغه‌های اخلاقی فراوانی در این باره دارد، درباره مباحث اخلاقی مرتبط با تکنولوژی، به‌ویژه اخلاق کاربری، سخن چندانی نگفته است؛ زیرا چنان‌که برخی گفته‌اند، وی اخلاق را تابع زیست‌جهان می‌داند و به سبب اعتقادش به زیست‌جهان‌های متکثر و متفاوت، اخلاق برایش اهمیتی ثانوی و معنایی نسبی دارد (کاجی، ۱۳۹۲: ۱۲۶-۱۳۱). با این همه، به نظر می‌رسد مانعی ندارد که دیگران از دسته‌بندی مبتکرانه او برای مباحث اخلاقی کمک بگیرند؛ به‌ویژه آنکه این دسته‌بندی، تناسب بسیاری با مباحث اخلاق کاربری، و امتیازاتی مهم نسبت به بسیاری از دسته‌بندی‌های رایج دارد. براین اساس در ادامه خواهیم کوشید با نگاهی از زاویه اخلاق، نقاط قوت و ضعف آن را برای سروشکل دادن به مباحث اخلاق کاربری بسنجیم.

۲-۱. توجه به انواع روابط

اخلاق هنگامی مطرح می‌شود که بحث رابطه من و دیگری مورد نظر باشد؛ یعنی زمانی از اخلاق سخن می‌گوییم که بحث رابطه من با انسان‌های دیگر و رابطه من با جهان و محیط زیست مطرح است. با تغییر جنس رابطه، احکام اخلاقی رابطه نیز دستخوش تغییر می‌شود؛ و روشن است که اقتضات اخلاقی رابطه استاد و شاگردی، با اقتضات رابطه همکاری یا همسایگی متفاوت است. همچنین رابطه با دوستان و رابطه با بیگانگان را نمی‌توان مشمول احکام اخلاقی کاملاً یکسان دانست. البته در همه این روابط، اشتراکاتی وجود دارد و باید حقوق انسانی همه اشخاص را اعم از فرزند و شاگرد و استاد و همسایه و دوست و دشمن، محترم شمرد؛ اما به تناسب تغییر رابطه ما، احکام اخلاقی خاصی نیز بر احکام عام افزوده می‌شوند. به همین سبب است که در اغلب کتب اخلاقی اسلامی، به انواع روابط انسانی اشاره شده است.

حال در بحث تکنولوژی نیز اگر روشن شود که نحوه رابطه و مناسبت ما با تکنولوژی از چه جنسی است، می‌توان احکام اخلاقی خاص آن را مطرح کرد. مسلم است که وقتی از تفنگی استفاده می‌کنم تا امتداد دست و بازویم شود و زور بازویم را چنان تقویت کند که تیری را با سرعتی بسیار زیاد به مسافتی دور شلیک کنم، این تکنولوژی کاملاً در خدمت من است و کاری که انجام می‌دهد، کاملاً در اختیار و اراده من است؛ اما لامپی که

دارای چشم الکترونیکی است، و در حاشیه آگاهی من قرار دارد، و به محض حضور من در نزدیکی‌اش، روشن می‌شود، در اختیار من نیست و من در قبال تبعات این رفتارش، کمترین مسئولیتی نخواهم داشت. بنابراین من بیشترین مسئولیت اخلاقی را در قبال تکنولوژی‌های تجسدیافته دارم، چراکه کار آنها مستقیماً کار من است، و در قبال تکنولوژی‌های زمینه‌ای، تا آنجا که فعالیتشان در حاشیه آگاهی من قرار دارد و به خواست من انجام نشده است، کمترین مسئولیت اخلاقی را دارم؛ اما در قبال تکنولوژی‌های هرمنوتیکی و غیرگونه، این مسئولیت در حد وسط قرار دارد. برای مثال، درست است که مسئول انتشار یک فایل صوتی یا تصویری محرمانه، دیگران هستند، اما در اعتماد کردن به این فایل و تفسیر و تعبیر آن، من نیز دارای مسئولیت اخلاقی هستم. همچنین درست است که روبات کامپیوتری خانگی، به گونه‌ای طراحی شده که رفتارهای معقول انسانی داشته باشد و بتواند همچون یک دوست با من وارد رابطه شود، اما نباید در رابطه‌ام با آن، تا حدی پیش روم که آن را به اطرافیانم ترجیح دهم و به خاطرش، منافع انسان‌ها یا سایر موجودات زنده را زیر پا بگذارم؛ زیرا در هر صورت، این روبات، موجودی است غیرجاندار و منافع همه جانداران بر آن ارجح است.

در قالب مقایسه، تقسیم‌بندی دون آیدی را می‌توان با ابزارهای انسانی یک پادشاه یا شخص متمول در روم یا چین باستان مقایسه کرد: اربابی را در نظر بگیرید که غلامی الکن و گوش‌به‌فرمان دارد که هر جا می‌رود همراه اوست و در انجام همه کارهایش از او استفاده می‌کند؛ خبرچینی دارد که به نقاط مختلف شهر می‌رود و اخبار رویدادهای مهم هر روز را برایش می‌آورد؛ دوستی امین دارد که برای سخنانش ارزش قابل است و گاه با او مشورت می‌کند، نگهبانان و متصدیان بادبز و نوازندگان نیز در کاخ مشغول انجام کارهای خویش‌اند، و نهایتاً مراجعانی هم دارد که به سرایش رفت‌وآمد می‌کنند و ناخواسته، رفتار ارباب را زیر نظر دارند. در این مقایسه، که از جهات فراوانی مقرب است، و البته از جهاتی مبعّد، غلام حلقه‌به‌گوش، با تکنولوژی‌های متجسد قابل مقایسه است؛ چراکه این غلام نیز همانند تکنولوژی‌های متجسد، امتداد دست و پای ارباب بود و همانگونه که یک دستگاه کنترل از راه دور، ادامه دست کاربر می‌شود و با اشاره کاربر، تلویزیون را برای انسان مدرن خاموش و روشن می‌کند، غلام نیز با یک اشاره ارباب، آب را برایش می‌آورد. خبرچین نیز با تکنولوژی‌های هرمنوتیکی قابل مقایسه است؛ یعنی همانطور که رسانه‌های ارتباطی، اخبار و اطلاعات را برای انسان مدرن بازگو می‌کنند، خبرچین یا جاسوس، اخبار را برای اربابش می‌برده است. همچنین تکنولوژی‌های پیشرفته غیرگونه همچون روبات فوق پیشرفته آینده که انسان مدرن با آن وارد روابط انسانی خواهد شد، با دوست مشاور قابل مقایسه‌اند. اما تکنولوژی‌های زمینه‌ای، اگر در مالکیت و خدمت شخص باشند، همچون کولر خانگی و رادیاتور و یخچال، با ملازمان ارباب نظیر نگهبانان و بادبزها و نوازندگان قابل مقایسه‌اند، و اگر در مالکیت و خدمت حکومت باشند و شخص فقط تحت نظارتشان باشد، مانند دوربین‌های مداربسته داخل شهر یا چراغ‌های راهنمایی رانندگی، با مردم کوی و برزن قابل مقایسه‌اند که به تماشای ارباب و ملازمانش می‌نشستند و احتمالاً پشت‌سرش حرف‌ها می‌زدند.

ارباب در روابط خود با غلام، خبرچین، دوست مشاور، ملازمان و اطرافیان، دو گونه ملاحظات اخلاقی داشت: یکی ملاحظات اخلاقی در روابطش با خود آنها، و دوم ملاحظات اخلاقی‌اش در حوزه کارهایی که توسط این افراد انجام می‌شد. به تعبیر روشن‌تر، ارباب اخلاق مدار، یک بار باید به این فکر می‌کرد که با غلام چگونه رفتار کنم که از من نرنجد و رضایت کامل از من داشته باشد و حتی از او بر گردنم باقی نماند، و یک بار به این فکر می‌کرد که در قبال رفتارهایی که غلام به دستور من انجام می‌دهد، چه مسئولیت‌هایی دارم و اگر مثلاً به واسطه خواسته من، ستمی از جانب او بر دیگران رفت، تا چه حد مسئولم. به همین ترتیب، این دو

گونه ملاحظه اخلاقی را با خبرچین، وزیر، ملازمان و اطرافیانش داشت. اکنون، در حوزه تکنولوژی، ملاحظات اخلاقی نوع اول کاملاً از کاربر سلب می‌شود، چراکه تکنولوژی، شیئی است مصنوع و بدون جان، و بنابراین کمترین حقی بر گردن صاحب یا کاربرش ندارد؛ اما ملاحظات اخلاقی نوع دوم، هنوز بر جای خود باقی‌اند. بنابراین همانگونه که روابط ارباب با جهان از طریق غلام، خبرچین، دوست و اطرفیان، هر یک دارای اقتضانات اخلاقی خاص خود بود (ملاحظات اخلاقی نوع دوم)، و مثلاً رفتار غلام، بیشتر از خبرچین، دوست و اطرفیان، در حوزه اختیارات و مسئولیت‌های ارباب بود، و یا طرز برخورد با اخباری که خبرچین می‌گوید (مثلاً از حیث راستی‌آزمایی آنها)، با نحوه مواجهه با سخنان دوست مشاور تفاوت داشت، در عصر مدرن نیز ارتباط انسان با جهان از طریق تکنولوژی‌های چهارگانه، دارای پیامدها و احکام اخلاقی متفاوتی است که باید هر یک به طور جداگانه کانون بررسی قرار گیرد.

۲-۲. دربرگیرندگی تکنولوژی‌های جدید و قدیم

تقسیم دین آیدی، دربرگیرنده اقسام تکنولوژی‌های جدید و قدیم، و پیشرفته یا ساده است و مانعی برای پرداختن به هیچ‌یک از انواع مصنوعات بشری از این حیث ندارد. برای مثال، تکنولوژی متجسد، هم شامل مگس‌کش و بادبزنی‌های ساده قدیمی می‌شود و هم شامل میکروسکوپ‌های پیشرفته کنونی. رابطه هرمنوتیکی نیز هم در ساعت‌های آبی و نقشه‌های دستی قدیمی قابل جست‌وجوست، و هم در صفحات اینترنتی و تصاویر ماهواره‌ای. حتی رابطه غیریت را که به نظر بسیار مدرن می‌رسد، می‌توان در رابطه بسیار کهن انسان با اشیا، یعنی اقسام بت‌پرستی و توت‌پرستی یا مثلاً آدمک‌های ساختگی در تئاترهای کهن مشاهده کرد. تکنولوژی‌های زمینه‌ای نیز از ساده‌ترین مشعل‌ها و ناقوس‌ها تا پیشرفته‌ترین سیستم‌های گرمایشی را در بر می‌گیرد.

این جامعیت، سبب می‌شود دامنه مخاطب اخلاق کاربری در چنین قالبی، بسیار وسیع باشد، و به کاربران تکنولوژی پیشرفته و به‌روز قرن بیست و یکم منحصر نشود؛ بلکه کسانی که به هر دلیل، از ابزارهای ساده و قدیمی استفاده می‌کنند یا همچون آمیج‌ها، در جوامع روستایی و بدون تکنولوژی زندگی می‌کنند، نیز می‌توانند مخاطب سفارش‌های اخلاق کاربری مبتنی بر تقسیم آیدی باشند.

۲-۳. عینیت و بی‌طرفی

معمولاً در تقسیم‌بندی‌های تکنولوژی، می‌توان رگه‌هایی از پیش‌داوری و جهت‌گیری را مشاهده کرد. برای مثال، در تقسیم‌بندی تکنولوژی به مدرن و سنتی، معمولاً تکنولوژی مدرن را همراه با مؤلفه‌های مدرنیسم و فلسفه و اخلاق و سیاست مدرن، اراده می‌کنند و لذا از همان آغاز، ذهن مخاطب به سمت جهت‌گیری مثبت یا منفی نسبت به تکنولوژی هدایت می‌شود (برای مثال، ر.ک: هایدگر، ۱۳۷۳: ۱۵-۱۶؛ همو، ۱۳۷۸: ۱۳۶-۱۳۷؛ Nasr, 2007: 91 and 96). همین‌گونه است تقسیم تکنولوژی به غربی و شرقی، بین‌المللی و بومی، دموکرات و سرمایه‌سالار یا حتی قدیمی و جدید. با این حال، تقسیم آیدی، تفاوت‌های حساس و غالباً انتزاعی این‌چنینی میان تکنولوژی‌ها را نادیده می‌گیرد و بنابراین کار را برای بررسی منصفانه نقاط ضعف و قوت یک تکنولوژی، و بایدها و نبایدهای معتدل و غیرافراطی کاربری آن را بیان کند.

دین آیدی می‌کوشد تا در رعایت بی‌طرفی، حتی از هایدگر متقدم که نگاهی پدیدارشناسانه به ابزار دارد، فراتر برود؛ چراکه در تمایز رابطه تجسد با رابطه هرمنوتیک، امکان بروز نگاه پیش‌داورانه وجود دارد و آیدی خود را از این نگاه می‌رهاند. مطلب از این قرار است که هایدگر، معتقد است روابط تجسد ما با تکنولوژی، هنگامی که

تکنولوژی دچار اشکال یا آسیبی شود، تبدیل به رابطهٔ هرمنوتیکی می‌شود. وی در هستی و زمان برای تمایز گذاردن میان امر تودستی (ready to hand) و امر دم‌دستی (present at hand) چکش را مثال می‌زند و می‌گوید تا وقتی چکش کار خود را به درستی انجام می‌دهد، خودش احساس نمی‌شود و مورد توجه قرار نمی‌گیرد؛ اما همین که در کارش خللی وارد شود، کاربر به خود اِزار، نگاه استقلالی خواهد کرد و آن را همچون یک ابژه در مقابل خود خواهد دید (Heidegger, 1988: 97-99). البته قصد هایدگر از بیان این مثال، به نوعی بیان ترجیح دانش مهارتی بر دانش علمی است، که آیدی آن را مؤید نظریهٔ تقدم تکنولوژی بر علم می‌داند (آیدی، ۱۳۷۱: ۱۱۵-۱۲۱)؛ اما به نظر آیدی، از مثال چکش چنین به نظر می‌رسد که هایدگر تصویری منفی از رابطهٔ هرمنوتیکی با ابزارها به دست می‌دهد؛ یعنی ابزارها، صرفاً زمانی که مانع کار ما باشند، کانون توجه استقلالی و بررسی علمی قرار می‌گیرند، نه در زمان انجام درست کارشان. با این حال، آیدی به شدت با این دیدگاه هایدگر و طرفدارانش که «وقتی تکنولوژی مزاحم یا مخل کار می‌شود، ممکن است اشغال به حساب آید و آن وقت است که ابژه بودنش آشکار می‌شود» مخالفت می‌کند (آیدی، ۱۳۸۸: ۱۶) و با یادآوری تکنولوژی‌هایی که کارکرد اصلی‌شان ایجاد رابطهٔ هرمنوتیکی است، این رابطه را به صورت مستقل شایستهٔ بررسی می‌داند (آیدی، ۱۳۸۸ الف: ۱۶). همچنین برای مطالعهٔ بحث تفصیلی‌تر در این باره و خوانش انتقادی او از این دیدگاه هایدگر، ر.ک: (Ihde, 2010: 53-55).

درست است که در تقسیم‌های غیرعینی یا کمترعینی همچون تقسیم به مدرن و سنتی، یا دموکرات و سرمایه‌سالار نیز بصیرت‌هایی وجود دارد و برخی اقدامات اخلاقی، مثلاً به سبب سیاسی بودن برخی از انواع تکنولوژی لازم می‌آید؛ اما چنین تقسیم‌هایی، بار اصلی مسئولیت را بر دوش طراحان، سازندگان، تولیدکنندگان و به طور کلی عرضه‌کنندگان تکنولوژی می‌اندازد و کاربر، ناخودآگاه خود را در محیطی می‌یابد که یا به سبب دموکرات اعلام شدن یک تکنولوژی یا نظامی از تکنولوژی‌ها، نیازی به ملاحظات اخلاقی نمی‌بیند و آسوده‌خاطر و بی‌دغدغه به کاربرد آن می‌پردازد و یا برعکس، به سبب شیطانی پنداشتن تکنولوژی، خود را به کلی از آن محروم می‌سازد و دیگران را نیز به سبب این استفاده، حتی استفادهٔ درست، سرزنش می‌کند. در الگوی اخلاق کاربری مبتنی بر تقسیم دون آیدی، می‌توان با اطمینان خاطر از عدم پیشامد چنین سوءتفاهم‌هایی، صرفاً به مسئولیت‌های کاربر اشاره کرد و اطمینان داشت که کاربر، خود را با توجه به ساختار یک تکنولوژی یا ایدئولوژی احتمالی سازندگان، از انجام وظایف اخلاقی معاف نمی‌پندارد.

۲-۴. لغزندگی تقسیم و تناسب آن با اخلاق کاربری ابزارهای ترکیبی و چندمنظوره

در میان تکنولوژی‌های گوناگون، بسیاری از انواع آن، دارای کاربردهای چندگانه و متفاوت هستند. این گاهی به سبب سادگی آن تکنولوژی است و گاهی به سبب طراحی اولیه آن برای کاربردهای گوناگون و گاه نیز به سبب مرکب بودنش از چند تکنولوژی گوناگون (به‌ویژه در تکنولوژی‌های رایانه‌ای). برای مثال، یک چوبدستی ساده برای چوپان، هم ابزاری است برای هدایت گله، هم عصا و تکیه‌گاه اوست، هم وسیله‌ای برای دفاع یا حمله است و هم می‌توان با فرو کردنش در زمین، از آن به منزلهٔ شاخص جهت‌نما یا قبله‌نما استفاده کرد. همچنین یک گوشی تلفن همراه جدید و دارای سیستم هوشمند، جدا از اینکه وسیله‌ای است برای ارتباط صوتی از راه دور، به سبب قابلیت نصب نرم‌افزارهای گوناگون، وسیله‌ای است برای دیدن فیلم، خواندن کتاب، گوش کردن موسیقی، عکسبرداری، ایجاد روشنایی یا انجام بازی رایانه‌ای. بنابراین تکنولوژی چوبدستی، هم جزو تکنولوژی‌های متجسد است (مثلاً از حیث عصا بودن)، و هم جزو تکنولوژی‌های هرمنوتیکی (به سبب قابلیت قبله‌نما بودن). یا تلفن همراه هوشمند، هم‌زمان جزو تکنولوژی‌های متجسد (امتداد گوش و شنیدن صدا

از راه دور)، تکنولوژی‌های هرمنوتیکی (خواندن کتاب و دیدن فیلم)، تکنولوژی‌های غیرگونه (بازی رایانه‌ای) و تکنولوژی‌های زمینه‌ای (بخش موسیقی یا ایجاد روشنایی) است.

ممکن است این وضعیت، عیبی برای این تقسیم شمرده شود؛ چراکه ظاهراً در ایجاد مرزبندی منطقی میان تکنولوژی‌های گوناگون ناتوان است و به خوبی قادر به تفکیک تکنولوژی‌ها از یکدیگر نیست. به تعبیر دیگر، در این تقسیم‌بندی مشکل اندراج یک تکنولوژی ذیل چند مقوله پیش می‌آید و این اشکال، تقسیم را از دقت منطقی می‌اندازد. بنابراین ممکن است گفته شود که این تقسیم‌بندی، قابل اتکا نیست و نمی‌توان بر اساس آن، کاربری تکنولوژی مدرن را به نحو خرد طراحی کرد.

در پاسخ باید گفت اولاً به سبب تکرر و تنوع بی‌اندازه تکنولوژی‌های گوناگون و نیز با توجه به اینکه برخی از انواع تکنولوژی، ترکیب یا مجموعه‌ای از چند تکنولوژی متفاوت هستند، کمتر تقسیمی است که چنین عیبی نداشته باشد؛ برای مثال تقسیم تکنولوژی‌ها بر اساس جنسشان، آن گونه که لوئیس مامفورد انجام داده است، یعنی تقسیم به تکنولوژی‌های چوبی، شیشه‌ای، آهنی و آلیاژی (Mumford, 2010: 109-110)، در وسایلی همچون خودرو، کشتی یا هواپیما، قابل خدشه است؛ چراکه در این وسایل، از همه این مواد یا از اکثر آنها در بخش‌های اصلی‌شان استفاده می‌شود. همچنین وقتی سیدحسین نصر، تکنولوژی سنتی را دستی و تکنولوژی مدرن را ماشینی می‌نامد، فرش دستی را جزو تکنولوژی‌های سنتی و فرش ماشینی را جزو تکنولوژی‌های مدرن بر می‌شمارد (Nasr, 2007: 96, 106)؛ درحالی که هم در بافت فرش دستی، به جز دست، از دستگاه یا ماشینی ساده به نام دار قالی استفاده می‌شود و هم در تولید فرش ماشینی، در مرحله‌ای از کار، دست کم در فشار دادن کلید برای روشن کردن دستگاه، افرادی با دست مشغول کار با ماشین هستند؛ بنابراین صرفاً میزان دخالت دست، کمتر یا بیشتر شده است؛ به تعبیر دیگر نه دست، به تنهایی قادر به بافت فرش است و نه ماشین؛

ثانیاً بر خلاف بسیاری از تقسیم‌بندی‌های لغزنده دیگر، همچون تقسیم‌های پیش گفته نصر و مامفورد، انعطاف و لغزندگی تقسیم‌بندی دون آیدی، به گونه‌ای است که برای مباحث اخلاق کاربری، کاملاً بایسته و متناسب است؛ زیرا از میان انواع تقسیم‌های لغزنده تکنولوژی، تقسیمی ارجحیت دارد که به کاربردهای تکنولوژی توجه کند، نه به ویژگی‌های غیر کاربردی؛ چراکه در نگاه کاربردی، می‌توان برای کاربر مشخص کرد که به رغم اینکه مثلاً تکنولوژی تلفن همراه اولاً و بالذات به کاربردهای دسته الف اختصاص دارد، ولی اگر مشغول استفاده ب از آن شدى، باید ملاحظات اخلاقی تکنولوژی‌های دسته ب را درباره‌اش رعایت کنی. حال اگر تقسیم‌بندی، مربوط به جنس مواد به کاررفته در یک تکنولوژی یا نحوه ساخت آن باشد، اندراج آن تحت چند مقوله، یا هیچ ملاحظه اخلاقی‌ای را لازم نمی‌آورد یا صرفاً منجر به سردرگم شدن مخاطب می‌شود. برای مثال، اگر کسی تکنولوژی سنتی را تکنولوژی‌ای بداند که از چوب ساخته شده یا با به طور دستی تولید شده، و بدین سبب مردم را به استفاده از چنین تکنولوژی‌هایی دعوت کند، برای تکنولوژی‌هایی که ترکیبی از چوب و آهن هستند، یا در برخی مراحل ساخت آنها علاوه بر دست، از ماشین نیز استفاده شده است، چه توصیه‌ای خواهد داشت؟

در مقابل، در اخلاق کاربری مبتنی بر تقسیم دون آیدی، به شخص گفته می‌شود زمانی که در حال استفاده از تلفن برای ارتباط از راه دور هستی، به اقتضات اخلاقی تکنولوژی‌های متجدد توجه کن، و زمانی که در حال استفاده از آن برای دیدن فیلم هستی، به ملاحظات اخلاقی تکنولوژی‌های هرمنوتیکی توجه داشته

باش، و زمانی که با آن مشغول بازی رایانه‌ای هستی، قواعد اخلاقی استفاده از تکنولوژی‌های غیرگونه را رعایت کن. لذا برای اخلاق کاربری، این لغزندگی تقسیم دون‌آیدی، نه تنها زیانمند نیست، که سودمند و لازم نیز هست.

۳. نقاط ابهام و ضعف

به رغم همه امتیازاتی که برای تقسیم آیدی برشمرده‌ایم، برخی کاستی‌ها و ابهامات نیز در این تقسیم دیده می‌شود که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

۳-۱. اشکال صوری تقسیم

تقسیم منطقی باید چنان باشد که هیچ‌یک از اقسام در یکدیگر وارد نشوند. اینکه یک تکنولوژی همزمان هر چهار رابطه را برای انسان میسر کند، اشکالی ندارد؛ زیرا تقسیم آیدی، تقسیم روابط است و نه تقسیم تکنولوژی‌ها؛ اما اینکه یکی از روابط (یعنی یکی از اقسام)، زیرمجموعه رابطه‌ای دیگر باشد، اشکال دارد؛ چراکه در یک تقسیم منطقی، اقسام باید با یکدیگر رابطه تباین داشته باشند و قسم شیء، نباید قسم آن باشد (مظفر، ۱۳۷۶: ۱۷۸-۱۷۹). این در حالی است که به نظر می‌رسد رابطه هرمنوتیکی، آنگونه که مورد نظر دون آیدی است، یکی از اقسام غیریت است، نه قسم آن؛ چراکه در رابطه هرمنوتیکی نیز تکنولوژی در مقابل من قرار دارد و چنین نیست که جزئی از من باشد و یا همراه با من، مجموعه‌ای را در مقابل جهان شکل دهد. آنچه از غیریت فهمیده می‌شود، این است که یک شیء، «غیر» از من باشد، و رابطه هرمنوتیکی نیز چنین معنایی را در خود دارد. با این حال، ظاهراً با اصلاحی در تعبیر، مشکل حل می‌شود و نیازی به تغییر ساختاری در تقسیم‌بندی نیست؛ یعنی باید گفت اگر رابطه من با تکنولوژی، غیریت باشد، این غیریت یا از نوع هرمنوتیکی است که در آن تکنولوژی به چیزی جز خود اشاره دارد، مانند ساعت و نقشه، یا از نوع غیرهرمنوتیکی و انسان‌وار است که در آن تکنولوژی به چیزی جز خود اشاره ندارد و من با آن وارد رابطه شخصی می‌شوم، بدین معنا که آن را شخص تلقی می‌کنم، مانند بُت یا روبات. بنابراین خود غیریت بر دو نوع است: یا غیریت هرمنوتیکی و اشاره‌ای است، یا غیریت غیراشاره‌ای و انسان‌وار. ممکن است این اشکال به رابطه زمینه‌ای نیز وارد شود، ولی به سبب ابهامی که رابطه زمینه‌ای دارد و حتی قابلیت آن را دارد که قسمی از اقسام رابطه تجسد فرض شود، رابطه زمینه‌ای را در موردی جداگانه بررسی می‌کنیم.

۳-۲. ابهام «رابطه زمینه‌ای»

تقسیم‌بندی اولیه دون آیدی در کتاب تکنیک و پراکسیس تقسیمی سه‌گانه است که شامل سه قسم اول می‌شود؛ ولی وی در کتاب تکنولوژی و زیست‌جهان، قسم زمینه‌ای را نیز به این اقسام اضافه می‌کند که البته قرارگیری این قسم در این تقسیم، ابهاماتی را ایجاد می‌کند و تقسیم اول، دقیق‌تر به نظر می‌رسد. این ابهام بدان سبب است که اگر بحث درباره میزان شفافیت یا کدر بودن تکنولوژی در حین رابطه باشد، رابطه زمینه‌ای به همان اندازه رابطه تجسد، دارای شفافیت است و به تعبیر دیگر، شفافیت و غیاب هر دو، به یک اندازه است؛ زیرا همانقدر که وقتی زیر باد کولر یا در معرض صدای هواکش هستیم، حضور آنها را احساس نمی‌کنیم و از ما غایب‌اند، به همان میزان یا فقط اندکی کمتر، هنگامی هم که از چکش استفاده می‌کنیم، حواسمان صرفاً به میخ است و حضور چکش را از یاد می‌بریم. بنابراین اگر اساس تقسیم صرفاً میزان حضور یا غیاب تکنولوژی باشد، نمی‌توان تکنولوژی زمینه‌ای را قسم چهارمی به شمار آورد؛ اما اگر بحث در میزان عاملیت من در استفاده

از تکنولوژی باشد، البته می‌توان تمایزی میان کولر و هواکش با چکش و عینک قایل شد؛ آن هم به شرطی که عامل روشن شدن کولر یا هواکش، من نباشم؛ چراکه اگر وسایلی همچون کولر و یخچال را نیز من روشن یا راه‌اندازی کرده باشم و کارکرد آنها در حیطه اراده و اختیار من باشد، تمایزی میان آنها و تکنولوژی‌های متجسد نیست.

بنابراین برای اینکه تقسیم دون آیدی از ابهام خارج شود، بهتر است یا به تقسیم سه‌گانه نخست بازگردد و یا تکنولوژی زمینه‌ای، مقید به عدم عاملیت کاربر، یعنی عدم اختیار و اراده کاربر برای راه‌اندازی و کارکرد شود، که در این صورت، تکنولوژی‌هایی همچون کولر، بخاری و یخچال، گاهی جزو تکنولوژی‌های متجسد هستند و گاهی جزو تکنولوژی‌های زمینه‌ای. البته به نظر می‌رسد به سبب اهمیت تکنولوژی‌هایی که در اطراف ما و بدون اراده ما در حال فعالیت هستند (مانند چراغ راهنمایی و رانندگی یا آنتن‌های ماهواره‌ای)، بهتر است که قسم چهارم را با افزودن قید عدم عاملیت، به تقسیم بیفزاییم؛ قسم چهارمی که در واقع، یکی از اقسام رابطه غیریت است و بنابراین قسم سوم تکنولوژی‌های غیرگونه به شمار می‌آید.

۳-۳. عدم جامعیت

به نظر می‌رسد رابطه ما با برخی از انواع تکنولوژی، در هیچ‌یک از روابط چهارگانه دون آیدی نمی‌گنجد؛ برای مثال، رابطه یک بیمار با تیغ یا سوزن جراح، زمانی که پزشک در حال عمل شکافتن یا بخیه زدن زخم اوست، در هیچ‌کدام از روابط چهارگانه نمی‌گنجد؛ چراکه نه از جنس رابطه تجسد است که بیمار به وسیله تیغ یا سوزن، ادراکاتش گسترش یابد و او به واسطه تکنولوژی در مقابل جهان قرار گیرد؛ نه از نوع هرمنوتیکی است که تیغ یا سوزن، به مطلبی اشاره داشته باشند، نه از نوع غیریت است که شخص به تیغ یا سوزن، به عنوان یک شخص انسانی بنگرد و نه از نوع زمینه‌ای است که فعالیت تیغ یا سوزن، خارج از حوزه آگاهی شخص باشد. در این رابطه، بیمار صرفاً در حال اثرپذیری از تکنولوژی است و گویی جهت رابطه، کاملاً برعکس رابطه تجسد است؛ یعنی اگر در رابطه تجسد، من و تکنولوژی مجموعه‌ای را تشکیل می‌دادیم و با جهان وارد تقابل و رابطه می‌شدیم، در اینجا، جهان یا دیگری با همدستی تکنولوژی در حال ادراک من یا اثرگذاری بر من است. شکل نموداری این رابطه را می‌توان چنین ترسیم کرد:

(جهان-تکنولوژی) < من

به نظر می‌رسد اگر بخواهیم خود این رابطه را نیز به تفصیل بررسی کنیم، خود بر دو نوع تجسد و هرمنوتیکی است؛ یعنی گاه تکنولوژی، گسترش قوای ادراکی دیگران برای ادراک من یا اثرگذاری بر من است؛ مثلاً وقتی بمبی بر سرم می‌ریزد یا آمپولی به بدنم تزریق می‌شود (تجسد معکوس)؛ گاه نیز تکنولوژی در حال اشاره کردن به من است، مانند وقتی که دستگاه جی‌پی‌اس، محل استقرارم را به او نشان می‌دهد (رابطه هرمنوتیکی معکوس). با این حال، چون از لحاظ اخلاق کاربری، این نوع رابطه واجد اهمیت چندانی نیست و مسئولیت استفاده از این ابزار، ارتباط درخور توجهی با شخصی که از آن اثر می‌پذیرد ندارد، بنابراین تفصیل آن نیز برای ما مهم نیست. به تعبیر دیگر، این نوع رابطه، صرفاً برای تکمیل انواع روابط ما با تکنولوژی و جامعیت‌بخشی به تقسیم دون آیدی لازم است و اهمیتش برای اخلاق کاربری، بسیار ناچیز است.

با این اوصاف، به نظر می‌رسد اگر بخواهیم تقسیم دون آیدی را با توجه به سه نکته یادشده اصلاح کنیم، باید از تقسیمی ثنائی استفاده کنیم: ۱. رابطه تجسد و ۲. رابطه غیریت. البته رابطه غیریت، خود بر چهار قسم است: ۱. غیریت هرمنوتیکی، ۲. غیریت انسان‌وار، ۳. غیریت زمینه‌ای (با قید عدم عاملیت)، ۴. غیریت معکوس.

به تعبیر دیگر، در مجموع روابط ما با تکنولوژی بر پنج نوع است و بر این اساس، می‌توان تکنولوژی‌ها را نیز در این پنج قسم گنجانده و مباحث اخلاق تکنولوژی را بر اساس این تقسیم سامان بخشید. در این صورت، هر چه از سمت رابطه تجسد به سمت رابطه غیریت معکوس حرکت می‌کنیم، مسئولیت کاربر کمتر و کمتر می‌شود؛ ولی بر اساس مکاتب مختلف اخلاقی، شاید این مسئولیت هرگز به صفر نرسد؛ چراکه ممکن است در برخی رویکردهای اخلاقی (مثلاً وظیفه‌گرایی)، گفته شود که کاربران حتی در قبال تکنولوژی‌های زمینه‌ای و روابط غیریت معکوسشان با تکنولوژی نیز دارای مسئولیت هستند و موظفانند از طریق شرکت در جنبش‌های اعتراضی یا از طریق اطلاع‌رسانی عمومی، در جهت اصلاح یا جمع‌آوری تکنولوژی‌های زمینه‌ای یا متجسد معکوس زیانمند و مخرب تلاش کنند.

نتیجه‌گیری

بحث درباره اخلاق کاربری تکنولوژی مدرن، جدا از نگاه کلان نسبت به همه تکنولوژی‌ها، به نگاهی خرد و میانه نیز نیازمند است که به تفاوت‌های تکنولوژی‌های گوناگون توجه کند و اقتضات اخلاقی هر یک را جداگانه در نظر داشته باشد. در این مقاله، نخست تقسیم‌بندی چهارگانه دون آیدی از روابط انسان با تکنولوژی را که مشتمل بر روابط تجسد، هرمنوتیکی، غیریت و زمینه‌ای است، به تفصیل توضیح دادیم و سپس با ذکر دلایلی، روشن ساختیم که این تقسیم‌بندی ظرفیتی مناسب برای مباحث اخلاق کاربری تکنولوژی دارد؛ چراکه اولاً این تقسیم‌بندی به مسئله رابطه انسان با جهان اطراف خود می‌پردازد و نوع رابطه، از مهم‌ترین عناصری است که بر احکام اخلاقی اثر می‌گذارد؛ ثانیاً این تقسیم‌بندی نسبت به همه انواع تکنولوژی جدید و قدیم، جامعیت دارد؛ ثالثاً دارای بی‌طرفی و عینیت کامل است و بنابراین میان تکنولوژی‌های گوناگون، از حیث مسئولیت انسانی، تبعیض قایل نمی‌شود، و نهایتاً اینکه به رغم آنکه دارای دقت کاملاً منطقی نیست، اما لغزندگی آن به سبب توجه به نحوه کاربرد، متناسب با تکنولوژی‌های چندمنظوره و مرکب عصر جدید است و از این حیث، بسیار کارآمد و سودمند است. با این حال، این تقسیم‌بندی دارای برخی کاستی‌ها و اشکالات صوری هم هست که البته قابل اصلاح هستند.

با توجه به این مطالب، می‌توان پیشنهاد کرد که در کنار مباحث کاملاً خرد اخلاق کاربری تکنولوژی که صرفاً معطوف به یک تکنولوژی خاص است و یا مباحث کلان این حوزه، که ناظر به همه انواع تکنولوژی است و تفاوت‌هایشان را نادیده می‌گیرد، دسته‌بندی دون آیدی به عنوان یکی از انواع دسته‌بندی‌های سطح میانه مد نظر قرار گیرد و مباحث اخلاق کاربری تکنولوژی با توجه به این دسته‌بندی نیز طرح و بررسی شوند. به علاوه می‌توان این دسته‌بندی را نمونه‌ای قرار داد برای دسته‌بندی‌های گوناگون عینی و جامع دیگر، که در ضمن رعایت بی‌طرفی، به تفاوت‌های کاربردی تکنولوژی توجه نشان دهند و زیربنایی باشند برای مباحث کاربردی اخلاق کاربری تکنولوژی.

منابع

- آیدی، دون (۱۳۷۱) «فنونولوژی و فلسفه: فلسفه تکنولوژی هایدگر»، ترجمه شاپور اعتماد، فرهنگ، ش ۱۱، ص ۹۱-۱۳۶.
- آیدی، دون (۱۳۸۸ الف) «پدیدارشناسی تکنیک»، ترجمه مراد فرهادپور و صالح نجفی، اطلاعات حکمت و معرفت، ش ۴۳، مهر ۱۳۸۸، ص ۱۵-۱۹.

- آیدی، دون (۱۳۸۸ ب) «پدیدارشناسی تکنیک»، ترجمه مراد فرهادپور و صالح نجفی، اطلاعات حکمت و معرفت، ش ۴۴، آبان ۱۳۸۸، ص ۱۵-۲۰.
- کاجی، حسین (۱۳۹۲) *فلسفه تکنولوژی دون آیدی: پاسخی به دترمینیسم تکنولوژیک*، تهران: نشر هرمس.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۷۶) *منطق*، ترجمه علی شیروانی، قم: انتشارات دارالعلم.
- هایدگر، مارتین (۱۳۷۳) «پرسش از تکنولوژی»، ترجمه شاپور اعتماد/ارغنون، ش ۱، ص ۱-۳۲.
- هایدگر، مارتین (۱۳۷۸) *راه‌های جنگلی*، ترجمه منوچهر اسدی، تهران: انتشارات درج.
- Achterhuis, Hans (2001) *American Philosophy of Technology*, trans. Robert P. Crease, Bloomington and Indianapolis: Indiana University Press.
- Dreyfus, Hubert (2001) *On the Internet*, London: Rutledge.
- Dijk, Jose van (2007) *Mediated Memories in the Digital Age*, California: Stanford University Press.
- Fukuyama, Francis (2002) *Our Posthuman Future: Consequences of the Biotechnology Revolution*, Farrar, New York: Straus and Giroux.
- Mitcham, Carl (2005) *The Encyclopedia of Science, Technology and Ethics*, Vol. 1-4, Macmillan Reference USA, Detroit: An imprint of Thomson Gale.
- Mumford, Lewis (2010) *Technics and Civilization*, with a new foreword by Langdon Winner, London and Chicago: University of Chicago Press.
- Nasr, Seyyed Hossein (2007) *Islam, Science, Muslims and Technology*, Al-Qalam publishing, Sherwood Park, Canada.
- Heidegger, Martin (1988) *Being and Time*, trans. John Macquarie and Edward Robinson, Southampton: Basel Blackwell Ltd.
- Ihde, Don (1990) *Technology and the Life world*, Indiana University press, Bloomington and Indianapolis.
- Ihde, Don (2010) *Heidegger's Technologies: Post-phenomenological Perspectives*, New York: Fordham University press.
- Jonas, Hans (1982) *Technology as a subject for Ethics*, Chicago: University of Chicago Press.
- Shrader-Frechette, Kristin (1993) *Burying Uncertainty: Risk and the Case against Geological Disposal of Nuclear Waste*, University of California Press, Berkeley, Los Angeles: Oxford.